

تربیت فرزندان

تألیف:

عبدالقادر شیخ ابراهیم

مترجم:

نور النساء ملازاده

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

مقدمه.....	۲
مقدمه مترجم.....	۳
حقوق فرزند بر والدین.....	۶
۱- وظیفه‌ی مادر در برابر طفل خود - شیر دادن به کودک خویش.....	۹
۲- وظیفه‌ی پدر در قبال فرزند نفقه دادن به او است.....	۱۰
۳- تعلیم و تربیت فرزندان، وظیفه‌ی دیگر پدر است.....	۱۲
۴- وظیفه پدر و مادر در قبال فرزندان.....	۱۴
۵- وظیفه‌ی والدین در نام گذاری فرزندان.....	۱۵
۶- تأمین حیات فرزندان وظیفه‌ی دیگر پدر است.....	۱۶
۷- وظیفه‌ی پدر حد و مرزی دارد که از آن نباید گذشت.....	۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

کتابچه کوچکی که هم اکنون در دست دارید گرچه از جهت کمیت و تعداد صفحات، کم حجم و کوچک است اما بحق از جهت کیفیت و محتوا و بیان موضوع مورد نظر یعنی (روش برخورد و تربیت فرزندان) رساله ای بی نظیر است و بی اغراق می‌توان گفت که نویسنده محترم توانسته مفاهیم و اصول اساسی و بنیادی تربیت دینی را در آن بسیار زیبا و شیرین جای دهد. و مترجم محترم سرکار خانم نورالنساء ملازاده نیز به دلیل آشنایی کامل و عملی با تربیت فرزندان خویش بر اساس محورهای دینی به خوبی از عهده بازگرداندن رساله از زبان عربی به فارسی برآمده است. بنده پس از مطالعه دقیق کتابچه و ویراستاری آن، مطالعه آن و عملی نمودن محتویات آن را به همه خانواده‌های مسلمان تأکید می‌نمایم و از آنجایی که هدف همه ما اصلاح جامعه اسلامی است، باید بدانیم که بدون اصلاح خانواده و فرزندان، هیچگاه جامعه اصلاح نمی‌شود و تنها راه نجات، تربیت و اصلاح فرزندان و خانواده است.

با سپاس از انتشارات حرمین که سعی در جهت چاپ و نشر کتابهای دینی و فرهنگی و تربیتی دارند و در این راه صادقانه تلاش می‌نمایند. امید است همه ما در این مسیر دینی و فرهنگی مشوق مترجمان و ناشران و نویسندگان عزیز خود باشیم.

فاروق احمدی تالش

مقدمه مترجم

بسم الله الذي علم بالقلم علم الإنسان ما لم يعلم، نحمده ونصلي على رسوله الكريم. اما بعد.

نقل است که فرزندان را بر اساس سه خصلت تربیت نمایید: دوست داشتن پیامبر اکرم ﷺ، دوست داشتن اهل بیت او و تلاوت قرآن مجید^۱.

قطعاً فرزندانی که بر پایه های فوق، تربیت شوند خداوند متعال آنانرا به اوج عزت و عظمت نایل می گرداند.

وظیفه پدر و مادر در قبال تربیت فرزند، بسیار سنگین است؛ باید آنان از هنگام تولد تا وقتی که فرزند به سن بلوغ رسیده و روی پای خود می ایستد مواظب او بوده و او را به بهترین روش تربیتی که رسول اکرم ﷺ و بزرگان دین بیان فرموده اند، تحت نظارت و کنترل خود تربیت کنند. خداوند متعال در این مورد می فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوًا أَنْفُسُكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ [التحریم: ۶].

ترجمه: «ای مؤمنان! خود و اهل خود را از آتش (دوزخ) حفظ کنید».

منظور از نجات دادن خانواده و فرزندان از آتش جهنم، دور نمودن آنان از اعمالی است که سبب دخول آنان به جهنم می شود.

پدر و مادر با اخلاق و رفتار درست باید الگوی عملی برای فرزند باشند. داستان زندگی رسول اکرم ﷺ و صحابه و غزوه های آن حضرت ﷺ را برای آنان تعریف نمایید. چنان که صحابه ؓ می گفتند: ما داستان غزوات رسول اکرم ﷺ را برای فرزندانمان تعریف می کردیم.

پدر و مادر هر دو در تربیت فرزند نقش دارند، اما چون در دوران کودکی وابستگی فرزند به مادر بیشتر از پدر است؛ نقش مادر در تربیت فرزند، تأثیر بیشتری دارد. اقبال به زنان مسلمان توصیه می‌کند که به دختر گرامی رسول اکرم ﷺ تأسی نمایند تا مردانی همچون حسین در دامن خود، تربیت کنند:

مادران را اسوه کامل بتول	مزرع تسلیم را حاصل بتول
آسیا گردان و لب قرآن سرا	آن ادب پرورده صبر و رضا
چشم بنوش از اسوه زهرا بلند	فطرت تو جذبه ها دارد بلند
موسم پیشین به گلزار آورد	تا حسینی شاخ تو برآورد

بنابر این، مادران باید نقش و تأثیر خود را باور داشته باشند و در تربیت فرزندان عزیز خود از هیچ تلاشی دریغ نورزند.

کودک هر آنچه دارد از آغوش مادر است گر زشت باشد و اگر نیک اختر است
خوبی که از نخست کسی را بر سر نشست او را همواره تا به دم مرگ بر سر است
در دفتر معلم و آموزگار نیست آن تربیت که زاده دامن مادر است
رفتار مادر از پی سرمشق کودکان بهتر از هر کتاب و زهر گونه دفتر است
اگر تاریخ را ورق بزنیم می‌بینیم که مادران بزرگ و نیکوکار با دعا و توجهاتشان توانستند فرزندان بزرگی را به جامعه تحویل بدهند.

شوقی می‌گوید:

یتیم کسی نیست که پدر و مادرش مرده باشند و او را بی پناه و درمانده بر جای گذاشته باشند. بلکه یتیم واقعی کسی است که مادری بی توجه و پدری سرگرم و مشغول به کار خود دارد.

کتاب حاضر توسط یکی از نویسندگان عرب بنام عبدالقادر شیخ ابراهیم در رابطه با همین موضوع (تربیت فرزندان) به نگارش درآمده است. بنده بعد از مطالعه آن، تصمیم

گرفتم آنرا به زبان فارسی ترجمه کنم تا بدین وسیله توانسته باشم خدمتی هر چند کوچک به جامعه عرضه نمایم. ترجمه آنرا به پدر و مادران آگاه که به تربیت فرزندانشان علاقه مند می باشند تقدیم می دارم.

﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾. [الفرقان: ۷۴].

ام عزیز الرحمن نور النساء ملازاده

زمستان ۱۳۸۱

بسم الله الرحمن الرحيم

حقوق فرزند بر والدین

حقوق فرزند بر پدر قبل از تولد، آغاز می‌شود. و این حق، توجه برای انتخاب مادر خوب و رعایت نمودن عوامل وراثت از یک طرف، و فراهم نمودن محیط سالم برای سرپرستی فرزندان از جانب دیگر می‌باشد.

خداوند متعال در قرآن مجید به صراحت به این مسأله اشاره فرموده است:

﴿الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [النور: ۲۶]. ترجمه: «زنان ناپاک، از آن مردان ناپاکند و مردان ناپاک از آن زنان ناپاکند، و زنان پاک متعلق به مردان پاکند، و مردان پاک متعلق به زنان پاکند. آنان از نسبت‌های ناروایی که به آنان داده می‌شود مبرا و منزّه اند. (به همین دلیل) ایشان از مغفرت الهی برخوردارند و دارای روزی ارزشمندی می‌باشند (که بهشت جاویدان و نعمت‌های غیر قابل تصور آن است)».

ابن کثیر از عبدالرحمن بن زید بن اسلم، روایت می‌کند که اومی گوید: زنان خبیث و ناپاک متعلق به مردان ناپاک، و مردان خبیث و ناپاک از آن زنان ناپاک و زنان پاک، شایسته مردان پاک و مردان پاک از آن زنان پاک می‌باشند.

آیه مبارکه به این موضوع اشاره می‌نماید که ویژگی مرد پاک موافق با زن پاک، و ویژگی زن پاک موافق با مرد پاک است.

بعضی از مفسران از این آیه برای برائت و پاکی سیده عایشه رضی الله عنها قبل از اینکه برائت وی در قرآن نازل شود، استدلال کرده اند. ابن کثیر می‌گوید: خداوند عایشه رضی الله عنها را برای همسری پیامبر ﷺ به این دلیل انتخاب کرد که وی پاک بود و از

هر انسان پاکی پاکتر بود، و اگر نعوذ بالله، ایشان ناپاک می‌بود هم به لحاظ شرعی و هم به لحاظ رتبه و ارزش برای همسری پیامبر خدا ﷺ صلاحیت نمی‌داشتند. اما چنین نبود بلکه به دور از هر شائبه‌ی پلیدی، در عین پاکی و نزاهت قرار داشت. چنانکه خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ﴾ [النور: ۲۶]. یعنی: آنان از آنچه اهل افک و دشمنان اسلام می‌گویند به دور و پاک می‌باشند. ﴿لَهُمْ مَغْفِرَةٌ﴾ [النور: ۲۶]. یعنی: به سبب دروغها و تهمتهای ناروایی که در حق آنان گفته شده مورد مغفرت خداوند قرار گرفتند. ﴿وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [النور: ۲۶]. یعنی: برای آنان در باغهای پر نعمت بهشت از جانب خداوند رزق پاکیزه و خوب وجود دارد. و در این آیه خداوند متعال به عایشه رضی الله عنها وعده داده است که در بهشت نیز همسر رسول خدا ﷺ خواهد بود.

در روایات آمده است: که در زمان جاهلیت یکی از اصحاب با زنی بدکار خویشاوندی داشت و هنگامی که مسلمان شد تصمیم گرفت با وی ازدواج کند. لذا از رسول خدا ﷺ در این مورد مشورت خواست. خداوند متعال در جواب درخواست او آیه ذیل را نازل فرمود:

﴿الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالْطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ...﴾ [النور: ۲۶].

در احادیث و سنت نبوی شریف نیز برای انتخاب نمودن همسر صالح و نیک برای ازدواج امر شده است، چنانکه رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «تُنْكَحُ الْمَرْأَةُ لِأَرْبَعٍ: لِمَالِهَا وَلِحَسَبِهَا وَجَمَالِهَا وَلِدِينِهَا، فَاظْفَرْ بِذَاتِ الدِّينِ تَرُبَّتْ يَدَاكَ»^۱.

ترجمه: «زن بخاطر چهار چیز نکاح کرده می‌شود: بخاطر مالش، نسبش، جمال و زیبایی اش و دینش، فقط دیندار را انتخاب کن دستهایت پر رونق می‌شود».

۱- بخاری (۵۰۹۰) و مسلم (۲۶۶۱).

بله می‌بینیم که رسول خدا ﷺ در حدیث مزبور مردان را به ازدواج با همسر دیندار تشویق می‌نماید. اگر همه مردان به این دستور رسول گرامی عمل نمایند، بدون شک به هدف و مقصد والای ازدواج که همانا عفت و پاکدامنی و تشکیل خانواده ای مؤمن و خوب است، نایل خواهند آمد.

حکمت و فلسفه این دستور رسول اکرم ﷺ این است که زن در زندگی، شریک و مونس مرد می‌باشد. اگر زن، دیندار باشد، فرزندان صالحی بدنیا آورده و تربیت صحیح اسلامی می‌نماید. و اگر دین نداشته باشد فرزندان ناصالح و بدور از اخلاق اسلامی بدنیا خواهد آورد، چون اخلاق خوب و پدر و مادر در فرزند اثر می‌گذارد و رفتارها به یکدیگر سرایت می‌کند. دامن مادر، محل رشد و نمو فرزند می‌باشد. زیرا فرزند در هر کاری از مادر تأسی می‌جوید و او را الگوی زندگی خود می‌داند. به همین علت رسول خدا ﷺ در حدیثی دیگر می‌فرماید: «تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ وَأَنْكِحُوا الْأَكْفَاءَ وَأَنْكِحُوا إِلَيْهِمْ»^۱.

ترجمه: «برای نطفه‌های خود (زنان پاکیزه و دین دار) را انتخاب کنید، و زنان در خور و شایسته‌ی خود را نکاح کنید و به افراد شایسته زن بدهید».

و در حدیثی دیگر می‌فرماید: «تَزَوَّجُوا الْحَجَزَ الصَّالِحَ، فَإِنَّ الْعَرْقَ دَسَّاسٌ»^۲.

ترجمه: «اصول (زنان) پاکدامن را ازدواج کنید، چون رگ گراینده است»، الحجز: اصل و محل رشد. والصالح: کنایه از عفت می‌باشد.

معنی حدیث این است که اگر مرد با زنی صالح ازدواج کند فرزندی بدنیا می‌آورد که با خانواده همسر در عمل و اخلاق و غیره مشابهت خواهد داشت.

آری! برادر مسلمانم نگاه کن که اسلام تا چه اندازه به فرزندان توجه دارد، از ابتدای پیدایش و چگونگی پیدایش؟

۱- روایت ابن ماجه و آل‌بانی آنرا صحیح دانسته است.

۲- روایت دیلمی در مسند فردوس و آل‌بانی آنرا موضوع (ساختگی) دانسته است.

این توجه بالای اسلام، با انتخاب درست همسر صالح و شایسته برای تشکیل خانواده ای مسلمان و بدنیا آوردن فرزندان صالح و نیکوکار تحقق می‌یابد. بعد از ازدواج، مرحله تولد فرزندان می‌رسد. در این زمان است که رابطه میان زن و شوهر و اساس خانواده مستحکم می‌شود. در این هنگام فضای خانواده عوض و مرحله تربیت و توجه به فرزندان آغاز می‌گردد و احساسات جدیدی در خانواده ایجاد می‌شود که پدر و مادر را وادار به فراهم نمودن محیطی سالم برای تربیت فرزندان می‌کند. در این رساله، حقوق فرزندان بر والدین و وظیفه والدین درباره فرزندان را بیان خواهیم کرد.

۱- وظیفه‌ی مادر در برابر طفل خود - شیر دادن به کودک خویش -

خداوند متعال به مادر امر فرموده است که فرزندش را دو سال کامل شیر بدهد. قرآن مجید بر این امر تأکید می‌کند چنانکه می‌فرماید: ﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَدَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمَّ الرِّضَاعَةَ﴾ [البقرة: ۲۳۳]. ترجمه: «مادران (اعم از مطلقه و غیر مطلقه) دو سال تمام فرزندان خود را شیر می‌دهند، هر گاه یکی از والدین یا هر دوی ایشان خواستار تکمیل دوران شیرخوارگی شود».

علم جدید فواید دو سال شیردهی مادر به کودک از پستان خودش را ثابت کرده است که شیر مادر مناسبترین و بهترین غذا برای کودک می‌باشد. زیرا شیر مادر مطابق آب و هوا و فصلها تغییر می‌کند. در زمستان، گرم و در تابستان، سرد است تا با مزاج طفل سازگاری داشته باشد و نوشیدنی گوارا برای او در هر فصلی باشد. همچنین از نظر جسمی و روحی، کودک سالم و خوب، کودکی است که به مدت دو سال کامل از مادرش شیر بنوشد. زیرا چنین بچه‌ای در این مدت دو سال، عواطف و احساسات مهربانی، نرم دلی، لطف مادری، و نهایت رحمت را از مادر می‌گیرد و به ارث می‌برد.

وقتی الله عزوجل می فرماید: ﴿وَالْوَالِدَتُ يُرَضَّعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ﴾ می خواهد ثابت کند که شیر دادن مادر به بچه در مدت دو سال، هیچ بیماری و ضرری را متوجه مادر نمی سازد.

آن کسانی که شیر دادن را ضرری برای مادران می دانند و علیه آن تبلیغات می نمایند ضعیف الایمان و شیطان هستند که این تبلیغات بی اساس را به راه انداخته اند. باید دانست که آنان هیچگونه هم خوانی ای با شرع مقدس اسلام ندارند. خداوند، ذاتی است که افراد فاسد را از مصلح می شناسد، چنانکه می فرماید: ﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ [الملک: ۱۴]. ترجمه: «بدان، آن کسی که انسان را آفرید، می داند و او باریک بین و آگاه است».

در علم طب ثابت شده است زنی که به کودکش شیر نمی دهد در معرض ابتلا به بیماریهای پستان قرار دارد... پس به یقین خداوند آفریدگار، دانا و پاک و برتر است.

۲- وظیفه ی پدر در قبال فرزند نفقه دادن به او است

باید دانست که در اسلام، مسئولیت انفاق و تأمین هزینه های فرزندان به دوش پدر است چنانکه قرآن مجید بر این امر تأکید می نماید و می فرماید: ﴿وَعَلَى الْوَالِدِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكَسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ [البقرة: ۲۳۳]. ترجمه: «بر هر فردی که برایش نوزادی بدنیا آمد رزق و پوشاک آنان بر اساس عرف مرسوم، واجب است».

رسول اکرم ﷺ اجر انفاق پدر بر فرزندان را بیان فرموده است. گرچه حدیث به صراحت از خانواده سخن گفته اما بطور ضمنی، فرزندان را نیز در بر می گیرد.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «دِينَارٌ أَنْفَقْتُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَدِينَارٌ أَنْفَقْتُهُ فِي رَقَبَةٍ وَدِينَارٌ تَصَدَّقْتَ بِهِ عَلَى مَسْكِينٍ وَدِينَارٌ أَنْفَقْتُهُ عَلَى أَهْلِكَ أَعْظَمُهَا أَجْرًا الَّذِي أَنْفَقْتُهُ عَلَى أَهْلِكَ»^۱.

«دیناری که آن را در راه خدا خرج کردی و دیناری که آن را برای آزادی گردنی انفاق نمودی، و دیناری که آن را به مسکینی صدقه دادی، و دیناری که آن را برای خانواده ات خرج کردی. از میان همه‌ی این دینارها، بزرگترین اجر را دیناری دارد که بر خانواده‌ات خرج نموده‌ای».

و در روایتی آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «أَفْضَلُ دِينَارٍ يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ دِينَارٌ يُنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِهِ وَدِينَارٌ يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ عَلَى دَابَّتِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَدِينَارٌ يُنْفِقُهُ عَلَى أَصْحَابِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۲.
«با ارزش ترین دیناری که شخص آنرا انفاق می‌نماید، دیناری است که بر خانواده‌اش و سواری اش در جهاد و بر یارانش در راه خدا - جهاد - انفاق می‌کند».

پدر بخاطر انفاق بر فرزندش، مستحق پاداش و ثواب نزد خداوند متعال می‌شود. همچنین اگر بر فرزندان محتاج و ضعیف و نابالغ خود، انفاق نکند گناهکار می‌گردد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می‌فرماید: «كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُضَيِّعَ مَنْ يَقُوتُ»^۳. «برای گناه کار بودن شخص همین اندازه کافی است که شخصی را که تحت سرپرستی او است و با او غذا می‌خورد از بین ببرد».

۱- صحیح مسلم (۱۶۶۱).

۲- صحیح مسلم (۱۶۶۰). ۲ روایت ابوداود (۱۴۴۲) و احمد (۶۲۰۷، ۶۵۲۷، ۶۵۳۴، ۶۵۴۷) و نگا صحیح مسلم (۱۶۶۲) و آلبنی آنرا حسن دانسته است.

۳- تعلیم و تربیت فرزندان، وظیفه‌ی دیگر پدر است

تعلیم و تربیت فرزندان و وادار کردن آنان به کارهای نیک و درست و باز داشتن آنها از کارهای زشت، وظیفه‌ی سنگین پدر می‌باشد. زیرا این مسأله به دنیا و آخرت آنان و سعادت و شقاوت آنان، ارتباط دارد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُورًا أَنفُسُهُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ [التحریم: ۶]. ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید! خودتان و خانواده هایتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگها است، دور نگه دارید». آیه فوق هشدار می‌دهد که بازدارنده از آتش جهنم است، کدامین آتش؟ آتشی که سوخت آن مردم و سنگ است، و مسئولان آن فرشتگانی قوی و سر سخت هستند که هیچ گاه از دستور خداوند سرپیچی نکرده و آنچه به آن دستور داده می‌شوند، انجام می‌دهند. کسی که به ندای ملکوتی قرآن عظیم الشأن گوش فرا ندهد به یقین خود را در خسارت و نقصان ابدی انداخته است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۚ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾ [الزمر: ۱۵]. ترجمه: «بگو: زیانکاران واقعی کسانی هستند که (عمر و جان) خود را (به سبب گمراهی، و حتی عمر و جان اهل و عیال) و وابستگان خود را (با گمراهسازی)، در روز قیامت (هدر دهند و) زیانبار کنند. هان! زیان آشکار، واقعاً همین است». اما انسان با کدامین وسیله خود و خانواده اش را از این آتش و آن خسارت و زیان همیشگی نجات بدهد؟

قطعاً انسان خود را با علم و عمل می‌تواند از این آتش و زیان ابدی نجات دهد. زیرا رفتار و کردار درست از علم مفید و اعتقاد سالم سرچشمه می‌گیرد. اگر علم مفید و درستی وجود داشته باشد، از کجا و چطور انسان می‌تواند از رفتار درست اسلامی و صحیح برخوردار شود؟ بدین سبب بر هر پدر مسلمان لازم است که فرزند خود را از

ابتدای کودکی، علم دین بیاموزد، علمی که راه و روش زندگی و سعادت دنیا و آخرت را برای آنان بیمه کرده و تأمین نماید.

چنانکه الله جل جلاله در قرآن مجید به پیامبر محبوبش دستور می‌دهد که خانواده‌اش را به نماز وادار نماید: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ [طه: ۱۳۲]. ترجمه: «خانواده‌ات را به نماز دستور بده و خود نیز بر آن پای بند باش».

این لقمان علیه السلام است که فرزندش را به نماز، و به کار نیک دستور داده و از منکرات باز می‌دارد. چنانکه الله تعالی از قول لقمان در قرآن مجید می‌فرماید: ﴿يَبْنِيْ اَقِمِ الصَّلَاةَ وَامُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلٰى مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ﴾ [لقمان: ۱۷]. ترجمه: «ای پسر عزیزم! نماز را چنانکه شایسته است بخوان، و به کار نیک دستور بده و از کار بد، نهی کن، و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد شکیبا باش، اینها کارهایی (اساسی و مهمی) است که باید بر آن عزم را جزم کرد و ثبات ورزید».

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ وَاصْرِبْهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ»^۱.

ترجمه: «در هفت سالگی، فرزندانان را به نماز امر نمایید، و در ده سالگی آنان را بخاطر ترک نماز، کتک بزنید و رختخوابهایشان را از یکدیگر جدا کنید».

حکمت کتک زدن فرزندان بخاطر ترک نماز این است که آنان به نماز خواندن، عادت نمایند و تا زمان بلوغ با آن، انس بگیرند.

و حکمت جدا نمودن رختخواب فرزندان از یکدیگر به این دلیل است که از وسوسه شیطان و خطر شهوت پرستی در امان باشند، زیرا در این مرحله از عمر، بیم آن می‌رود که به فساد و فحشا کشیده شوند. چرا که سن نوجوانی، سن خطرناکی است. به همین

۱- روایت ابوداود (۴۱۸) و احمد (۶۴۰۲ و ۶۴۶۷) و آل‌بانی آنرا صحیح دانسته است.

خاطر، رسول خدا ﷺ به جدا نمودن رختخواب بچه ها در این سن و آموختن ادب و اطاعت دستورات الهی و حفاظت احکام او، امر فرمودند.

۴- وظیفه پدر و مادر در قبال فرزندان

پدر و مادر باید عدالت را در همه موارد - تربیت، نفقه، محبت و دلسوزی - درباره فرزندان رعایت نمایند تا در دل فرزندان به علت بی عدالتی نهال کینه و حسادت و دشمنی کاشته نشود. زیرا دشمنی برادران یوسف با یوسف به همین خاطر بود که متوجه شدند پدرشان یعقوب یوسف را بیشتر از آنان دوست دارد. لذا با او دشمن شدند و نسبت به او حسد ورزیدند و طرح قتل او را پیاده کردند، چنانکه الله ذوالجلال می فرماید: ﴿إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا أُمِينًا مِنْهُ وَخُنْ عُصْبَةً إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۖ أَقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ﴾ [یوسف: ۸-۹]. ترجمه: «هنگامی که (برادران پدری یوسف) گفتند: یوسف و برادرش (بنیامین) که از یک مادرند) نزد پدرمان از ما محبوبترند، در حالی که ما گروه نیرومندی هستیم (و از آن دو برای پدر سودمندتر می باشیم) مسلماً پدرمان در اشتباه روشنی است».

یوسف را بکشید، یا او را به سرزمینی (دور دست) بیفکنید، تا توجه پدرتان فقط با شما باشد (و تنها و تنها شما را دوست داشته باشد و به شما مهر ورزد) و بعد از آن (از گناه خود پشیمان شوید و توبه می کنید و) افراد صالحی خواهید گشت (چرا که خدا توبه پذیر است و پدر هم عذرتان را قبول می نماید).

آنچه تا اینجا بیان گردید حقوقی بودند که در سن کودکی فرزندان، بر عهده پدر هستند. اما هنگامی که فرزند بزرگ و جوان می شود، در آن وقت بر پدر لازم است که در عطایا و بخشش ها میان آنان عدالت را رعایت نماید تا پدر باعث دشمنی و کینه میان فرزندان نشود. چه بسا اتفاق می افتد که به جهت عدم عدالت پدر، فرزندان با پدر و برادران دشمن خواهند شد.

زیرا در این عصر بسیاری از پدران، بعضی از فرزندان را بر بعضی دیگر با دادن مال یا زمین یا چیزهای دیگر، فقط بخاطر عصبانی شدن بر یکی از فرزندان یا کوتاهی یکی از فرزندان در حق پدر، ترجیح می‌دهند. بدیهی است که این رفتار پدر، جنجال بزرگی بر پا می‌کند، و گاهی شده که همین فرزند محروم، به یک حیوان وحشی و درنده تبدیل شده و پدر و برادرانش را تهدید به قتل می‌کند، اگر چه تهدید خود را عملی نکند، و برادرش را که بر او ترجیح داده اند و در حقش امتیاز بیشتری قایل شده اند دشمن خود می‌داند و در طول زندگی، مانند دشمن با او رفتار خواهد کرد و رابطه‌ی اخوت بین آنان قطع خواهد شد.

دکتر سعد جاویش در یکی از گفتگوهایش که من نیز در آن جلسه حضور داشتم، گفت: شنیده‌ام که در همین روزها مادری یکی از پسرانش را با دادن اموالش بر فرزند دیگرش ترجیح داده است. فرزند محروم که پیش از این، مطیع مادرش بود وقتی متوجه این مسأله می‌شود، با تبری به مادر حمله می‌کند و او را به قتل می‌رساند. قطعاً علت این حادثه اسفناک رعایت نکردن عدالت از جانب مادر در حق فرزندانش می‌باشد. آنهم بدون هیچ دلیل و توجیهی از جانب مادر!!!.

متأسفانه امثال اینگونه حوادث در دنیا بسیار اتفاق می‌افتد. اگر انسانها به شرع مقدس اسلام و دستورات رب العالمین پای بند بودند هرگز به این سیه روزی دچار نمی‌شدند. آری، خداوند مفسد را از مصلح می‌شناسد و دستورات وی سد محکمی از وقوع شر بین خویشاوندان می‌باشند.

۵- وظیفه‌ی والدین در نام گذاری فرزندان

باید والدین برای فرزندان اسمهای مناسب و خوبی را انتخاب نمایند. اسمهای زشت و بی معنایی را که از جانب دوستان در مدرسه یا غیر مدرسه مورد تمسخر قرار بگیرند انتخاب نکنند. در غیر این صورت، آنان احساس حقارت می‌کنند و از نظر فکری و روحی ضعیف خواهند شد.

۶- تأمین حیات فرزندان وظیفه‌ی دیگر پدر است

وظیفه‌ی پدر است که از زندگی و سلامتی فرزند محافظت نماید و او را به قتل نرساند. زیرا اعراب دوران جاهلیت بر اثر جهالتشان دختران خود را بخاطر ترس از فقر کشته و زنده بگور می‌کردند. از فرط جهالت از این مهم غافل بودند که ﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾ یعنی: «خداوند روزی رسان و صاحب قدرت برتر می‌باشد». و آنان نیستند که فرزندان خود را روزی می‌دهند بلکه خداوند، رزاق است. خداوند متعال در کلام پاکش، آیات متعددی را بر مذمت این کار ناروای آنان که ناشی از جهل و قساوت قلبی آنان بود، نازل فرموده است: ﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾ [الأنعام: ۱۴۰]. ترجمه: «مسلماً زیان می‌بینند کسانی که فرزندان خود را از روی سفاهت و نادانی می‌کشند».

و در آیه ای دیگر می‌فرماید:

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَنًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ﴾ [الأنعام: ۱۵۱]. ترجمه: «بگو بیایید چیزهایی را برایتان بیان می‌کنم که پروردگارتان بر شما حرام نموده است. اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید و به پدر و مادر، نیکی کنید و فرزندان را از ترس فقر و گرسنگی، (الآن یا آینده) مکشید (چرا که) ما به شما و ایشان روزی می‌دهیم (و روزی رسان همه ماییم نه شما)».

و در آیه ای دیگر می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا﴾ [الإسراء: ۳۱]. ترجمه: «و (از آنجا که روزی در دست خدا است) فرزندان را از ترس فقر و تنگدستی نکشید. ما آنان و شما را روزی می‌دهیم (و ضامن رزق همگانیم) بیگمان کشتن ایشان، گناه بزرگی است».

اعراب دوران جاهلیت فرزندان بی گناه را به خاطر ترس از فقر می‌کشتند. خداوند عزوجل آنان را از این عمل زشت باز داشت و به آنان گوشزد فرمود که روزی در دست خداوند رزاق می‌باشد.

به جهت تأکید و اطمینان آنان خداوند قدوس روزی صغیر و کوچک را قبل از بزرگترها ذکر فرمود: ﴿خُنْ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ﴾ عبدالله بن مسعود می‌گوید: گفتم: ای رسول خدا! کدام گناه بزرگتر است؟ فرمود: «أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نِدًّا وَهُوَ خَلَقَكَ، قُلْتُ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: ثُمَّ أَنْ تَقْتُلَ وَلَدَكَ خَشْيَةً أَنْ يَطْعَمَ مَعَكَ، قُلْتُ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: أَنْ تُزَانِيَ بِحَلِيلَةِ جَارِكَ»^۱.

یعنی: «اینکه با خداوند که تو را آفریده، شریکی قرار بدهی. گفتم: بعد کدام؟ فرمود: اینکه فرزندان را از ترس اینکه با تو غذا بخورد بکشی. گفتم: بعد کدام؟ فرمود: اینکه با همسر همسایه ات زنا کنی».

بدیهی است که حدیث مزبور، دلیل این نکته نیز می‌شود که سقط عمدی جنینی که چهار ماه او کامل شده است، قتل محسوب می‌گردد چون روح در او دمیده شده است. به همین خاطر باید به شدت از آن پرهیز نمود.

۷- وظیفه‌ی پدر حد و مرزی دارد که از آن نباید گذشت

الله تعالی پدران را از زیاده روی و افراط در محبت فرزندان که باعث غفلت آنان از حقوق الله شود، منع کرده و برحذر داشته است.

خداوند عزوجل به طور آشکار و بی پرده بیان فرموده است که زیاده روی و افراط در محبت فرزندان منجر به عاقبت ناخوشایندی می‌شود، و گویا که با فرزندان، دشمنی می‌کند و فرزندان دشمن او هستند. اگرچه قصد فرزندان، دشمنی و ضرر رساندن به پدر نیست اما وقتی محبت فرزندان به جایی برسد که فرزندان وظیفه‌ی دینی خود را فراموش کنند بمنزله ی دشمن او می‌شوند. خداوند متعال می‌فرماید:

۱- بخاری (۴۷۶۱، ۷۵۲۰، ۶۸۶۱) و مسلم (۱۲۴، ۱۲۵).

﴿يَتَّيِبُهَا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ﴾ [التغابن: ۱۴]. ترجمه: «ای مؤمنان! قطعاً بعضی از همسران و فرزندانان، دشمنان شما هستند (شما را از راه خدا باز می‌دارند، و در عبادت و طاعت سست می‌گردانند) پس از ایشان، خود را بر حذر دارید».

ابن کثیر می‌گوید: «خداوند متعال خبر می‌دهد که بعضی از ازواج و فرزندان، دشمن همسران و پدران می‌باشند، این گونه که آنان را از عمل صالح، باز می‌دارند».

خداوند متعال در آیه ای دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ [التغابن: ۱۵]. ترجمه: «همانا اموال شما و اولاد شما فتنه و امتحان اند، و بدانید که نزد خداوند اجر عظیمی وجود دارد».

و در آیه ای دیگر می‌فرماید: ﴿يَتَّيِبُهَا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ [المنافقون: ۹]. ترجمه: «ای مؤمنان! مبدا اموال و فرزندانان شما را از یاد خدا غافل سازند. کسانی که چنین کنند (و اموال و اولادشان آنان را سرگرم و به خود مشغول دارد) ایشان، زیان کارند».

داستان پسری که خضر علیه السلام او را به قتل رساند و در سوره کهف ذکر شده است، فراموش نکنیم. خداوند متعال در این مورد می‌فرماید:

﴿وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا﴾ [التغابن: ۱۴]. ترجمه: «و اما آن کودک يُبْدِلُهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا﴾ [الکهف: ۸۰-۸۱]. ترجمه: «و اما آن کودک (که او را کشتیم) پدر و مادرش با ایمان بودند (و اگر او زنده می‌ماند) می‌ترسیدیم که سرکشی و کفر را بدانان تحمیل کند (و ایشان را از راه ببرد) ما خواستیم که پروردگارشان بجای او فرزندی پاکتر و پر محبت تری به آنان، عطا فرماید».

ابن کثیر می‌گوید: یعنی همین محبت فرزند است که گاهی پدر و مادر را وادار به کفر می‌کند. قتاده می‌گوید: هنگامی که این فرزند دنیا آمد، پدر و مادرش خوشحال شدند.

وقتی کشته شد بر او غمگین شدند و اگر این بچه زنده می ماند، سبب هلاکت آنان می شد.

ابن عباس به روایت از ابی بن کعب می گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «الْغُلَامُ الَّذِي قَتَلَهُ الْخَضِرُ طَبِعَ يَوْمَ طَبِعَ كَافِرًا»^۱.

ترجمه: «پسری که خضر او را کشت در سرنوشت او کفر رقم زده شده بود که کافر جبلی و فطری بوده است».

آیات و احادیث مذکور، دلیل بر این است که مال و اولاد برای انسان امتحان و آزمایش از جانب الله ذوالجلال می باشند تا انسان مطیع از عاصی و گناهکار شناخته شود. روزی رسول اکرم ﷺ خطبه می خواند ناگهان چشم مبارک او به حسن و حسین افتاد که به سوی آن حضرت ﷺ می آمدند. آنان پیراهن های سرخ رنگی به تن داشتند که گاهی می لغزیدند و می افتادند و باز بلند می شدند. وقتی آن حضرت آنان را در آن حال دید از منبر پایین آمد و هر دو را برداشت و نزد خودش جلوی منبر نشاند. سپس فرمود: «صَدَقَ اللَّهُ إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ فَانْظُرْتُ إِلَى هَذَيْنِ الصَّبِيَّانِ يَمْشِيَانِ وَيَعْتُرَانِ فَلَمْ أَصْبِرْ حَتَّى قَطَعْتُ حَدِيثِي وَرَفَعْتُهُمَا»^۲.

ترجمه: «خداوند و رسولش راست گفته اند که همانا اموال و اولاد شما امتحان و آزمایش هستند، به این دو بچه نگاه کردم که راه می رفتند و می لغزیدند و می افتادند، طاقت نیاوردم تا اینکه سخنم را قطع کردم و آنها را بلند کرده و آوردم».

وقتی فرزندان برای پدر و مادر امتحان و آزمایشی هستند، پس بر پدر و مادر لازم است که از خداوند متعال موفقیت و سربلندی از این امتحان را طلب نمایند.

۱- روایت صحیح مسلم (۴۳۸۶)، ابوداود (۴۹۰۵) و ترمذی (۳۱۵۰).

۲- روایت ترمذی (۳۷۰۷)، نسائی (۱۳۹۶)، ابوداود (۹۳۵) وابن ماجه (۳۵۹۰) و آلبانی آنرا صحیح دانسته است.

موفقیت و سربلندی از این امتحان، زمانی امکان پذیر است که پدر و مادر دستورات
الله و حقوق فرزندان را رعایت کنند، و از حدود و قوانین الله عزوجل تجاوز نکرده و
محبت فرزندان سبب غفلت از یاد خدا نگردد.

از خداوند عزوجل می‌خواهیم که به ما هدایت عنایت نموده و از شر نفس اماره
رهایی بخشد چرا که بی تردید هدایت دهنده ی راه حق و صراط مستقیم اوست.